
عوامل زمینه ساز حاکمیت صالحان با محوریت آیه ۵۵: نور و ترابط آن بابیانیه گام دوم انقلاب

زهرة زکی^۱

چکیده

موضوع حاکمیت صالحان یکی از دستاوردهای عقیده مهدویت در مذهب شیعه امامیه است. به این بیان که در دوره آخرالزمان شخصیتی صالح ووالا مقام از خاندان نبوی ظهور کرده و جهانی که پراز ظلم و ستم گشته پراز عدل و داد می‌کند. این بشارت باعث اهمیت این موضوع شده چراکه بشریت همواره به دنبال عدالت و امنیت بوده است. مژده‌ای که قرآن به آن بشارت داده است. مسئله این نوشتار «عوامل زمینه ساز حاکمیت صالحان با محوریت آیه ۵۵ سوره نور» است. از دیدگاه علامه تطبیق اکمل آیه، جامعه عصر ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریح می‌باشد. این جستار باروش تحلیلی - توصیفی وبا مراجعه به روایات ذیل آیه شریفه وبا تکیه بر «بیانیه گام دوم انقلاب» به سؤال خود پاسخ می‌دهد.

یکی از دستاوردهای این پژوهش آن است که: تحقق واقعی این مژده در عصر ظهور است. بنابراین تاریخ انقلاب و بیانات مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب، می‌توان ادعا کرد که: انقلاب اسلامی ایران تمثیل کوچکی از محقق شدن آن وعده الهی است. ترابط

۱. طلبه سطح ۴ رشته تفسیر تطبیقی مدرسه تخصصی حوزه علمیه الزهراء (س) اهواز، zohzaki@gmail.com

موجودیین حاکمیت مومنان صالح که درآیه ۵۵/نور مطرح شده است با محورهای موجود در بیانیه گام دوم انقلاب این است که با رعایت این توصیه‌ها ملت ایران می‌تواند در زمینه‌سازی امر ظهور مؤثر باشند.

کلیدواژگان: مومنان صالح، عوامل زمینه ساز، حاکمیت صالحان، آیه ۵۵/نور، بیانیه گام دوم.

مقدمه

موضوع حاکمیت صالحان یکی از ابعاد عقیده مهدویت است. این مسئله از عقاید اختصاصی مذهب شیعه امامیه بوده که دارای ابعاد مختلفی می باشد. این باور همگانی امامیه مبتنی بر آیات و روایات زیادی است، بحرانی صاحب کتاب "سیمای حضرت مهدی در قرآن" بیان داشته که حدود ۱۲۰ آیه از آیات قرآن بطور مستقیم و یا غیرمستقیم به موضوع امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و مهدویت دلالت می کنند (بحرانی، ۱۳۸۴: ۲۶).

مذهب امامیه بر این باور است که: در دوره آخر الزمان خداوند شخصیتی والامقام از خاندان نبوی رابه عنوان انسانی برگزیده و شایسته، جهت هدایت جامعه بشری به سوی رستگاری و دین توحیدی ظاهر می کند. او ظهور می کند. او ظهور می کند تا عالمی را که از ظلم و ستم پر شده است نجات داده و انسانیت را در ضمن حکومت عدل صالحین به عدل و دادگستری مزین نماید. این انسان برگزیده در تداوم خط نبوت و امامت ائمه معصومین علیهم السلام رسالتی الهی بردوش دارد. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آخرین حجت الهی و منجی عالم هستی و تنها واسطه فیض الهی است. خداوند به خاطر فلسفه های گوناگون ایشان را در پرده غیبت حفظ کرده و بعد از دورانی که عالم ظرفیت حضورش را پیدا کند ظهور می کند. خداوند حکومت جهانی ایشان را در آیات متعدد وعده داده است.

یکی از مباحث قابل طرح در موضوع مهدویت از دیدگاه امامیه، مبحث "حکومت جهانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف" و به دنبال آن "سیطره حکومت ایشان" و در نهایت "چگونگی حاکمیت صالحان در عصر ظهور" آن حضرت است. اهمیت این مبحث از آنجا مشخص می شود که بشریت همواره به دنبال عدالت و امنیت بوده است. امنیت و عدالت خواهی خواسته ای فطری است که هر انسانی به دنبال آن گام برمی دارد. ملت مؤمن و انقلابی ایران در تحقق این آرمان الهی و فطری، بیش از چهل سال پیش، گامی بلند در جهت ظلم ستیزی و عدالت خواهی در پرتوی معارف قرآنی برداشت.

ملت اسلامی ایران برای موفقیت در مسیر رو به جلوی خود نیازمند ترسیم راهی

آشکاره‌همراه با برنامه‌ریزی است. امروزه نیازمندی‌هایی در تمام ابعاد برای موفقیت در این مسیر وجود دارد که اهمیت برنامه‌ریزی را دوچندان می‌نماید. لذا رهبری حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی در قالب بیانیه گام دوم انقلاب این برنامه را در فراروی ایرانیان ترسیم نمودند که تمام ابعاد آن برآمده از پیام‌های فرهنگ قرآن و سفارشات اهل‌البیت علیهم‌السلام است. به خاطر اهمیت حاکمیت و توارث مومنان صالح بر روی زمین و چگونگی به فعلیت رسیدن این امر ضرورت ایجاد می‌کند که از دیدگاه قرآن عوامل زمینه ساز حاکمیت صالحان بررسی شود. تا در تحقق این مهم بتوان گامی استوار برداشته شود. یکی از آیاتی که به موضوع "شاخصه‌های حاکمیت امام زمان و توارث مؤمنین صالح در عصر ظهور" اشاره دارد آیه ۵۵ / سوره نور می‌باشد. جهت تبیین موضوع از برخی مصادر حدیثی استفاده شده است. در پردازش مطالب، نگارنده ابتداء با توجه به معانی لغوی و اصطلاحی واژگان کلیدی آیه نگاهی اجمالی به تفسیر آیه مورد نظر از منظر مفسرین داشته در مرحله بعد به شاخصه‌های حاکمیت مومنان صالح که از محورهای اصلی آیه کریمه می‌باشد پرداخته و بعد از آن به این مطلب که انقلاب اسلامی ایران یکی از مصادیق تحقق وعده الهی است می‌پردازد. ترابط بیانیه گام دوم انقلاب و عوامل زمینه ساز حاکمیت مومنان صالح مطلب دیگری است که در این نوشتار به آن توجه شده است.

پیدایش انقلاب اسلامی ایران برگرفته از قرآن و معارف عمیق آن است. برای تداوم و حیات این انقلاب ضروری است که در سایه سار قرآن دستورات فردی و اجتماعی را فرا بگیرد نوشتار پیش رو در صدد است با روش توصیفی - تحلیلی به اهمیت این موضوع به عنوان یکی از مبانی و اهداف گام دوم انقلاب در پرتو یکی از آیات کلیدی موضوع مهدویت بپردازد. مضاف بر اینکه انقلاب اسلامی ایران را یکی از مصادیق کوچک تحقق وعده الهی در آیه ۵۵ / نور معرفی نماید.

پژوهش حاضر در بردارنده هدفی بنیادی و علمی بوده و در راستای بیان فرهنگ قرآنی بیانات مقام معظم رهبری قلم فرسایی نموده است دیگر اینکه بیان دارد که: تداوم انقلاب

اسلامی ایران با اعتماد به تحقق بشارتهای نجاتبخشی که خداوند در آیات متعددی در قرآن به مومنان صالح وعده داده است، می تواند زمینه ساز حاکمیت ولی الله اعظم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه باشد. بدین جهت مقام معظم رهبری بانوجه به حقانیت وعده های الهی، به امت اسلامی به ویژه به مردم انقلابی ایران گوشزد می کنند که اگر امت اسلام، ایمان به نیروی لایزال الهی داشته و با اتکاء به وعده های الهی، وظایف الهی خود را انجام دهد میتواند به این امر دست یابد..

۲. سابقه و پیشینه تحقیق

در خصوص موضوع مهدویت و ابعاد آن و حاکمیت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه و مؤمنین که یکی از مصادیق سنتهای الهی در قرآن می باشد کتب و مقالات فراوانی تدوین شده است که به عنوان نمونه چند مورد را متذکر می شویم:

الف) سنت های تاریخی قرآن درباره مومنان، نوشته صادق گلستانی، تاریخ درآینه پژوهش ۱۳۸۵ شماره ۹ در مقاله آمده است که: توام بودن پیروزی هاوشکستهای مومنان در مراحل مختلف تاریخی، نتیجه سنت قطعی خداست (سنت آزمایش) در نتیجه نه به نصرتها غره گردندونه از شادکامی هامغرورو باید دانست که براسای قانون لایتغیر الهی هرگاه جمعیت مومنان در مسیر صلاح و تقوا باشند از امتیازات ویژه خداوند بهره مند می شوند.

ب) نقد و بررسی تفاسیر فریقین از آیات توارث و حاکمیت مومنان صالح زمین نوشته طلعت حسنی بافرانی در فصلنامه علمی پژوهشی مشرق موعود، سال دهم، شماره ۴۰، زمستان (۱۳۹۵) در مقاله بیان شده که: میان مفسران فریقین در خصوص وعده توارث و مصداق مخاطبین آیه اختلاف نظر وجود دارد و اینکه مصداق اتم واکمل آن در عصر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه می باشد ولی منافاتی با تحقق در مقاطع دیگری از تاریخ بشریت ندارد.

ج) واپسین روزهای تاریخ درآیه ۵۵ سوره نور از دیدگاه مفسران، رضامهدیان فر فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تفسیری، ۱۳۹۶، شماره ۳۰، سال هشتم، در این مقاله آمده است که این آیه جامعه ویژه ای را برای مومنان در واپسین روزهای تاریخ وعده می دهد که با ظهور

مهدی موعود محقق خواهد شد.

تفاوت (برجستگی) پژوهش حاضر در مقایسه با سایر تحقیقات مشابه، بررسی عوامل زمینه ساز حاکمیت صالحین با محوریت آیه ۵۵/نور و پردازش به موضوعات آیه با تکیه بر "بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی" بوده و هم چنین تطبیق یکی از مصادیق آیه بر انقلاب اسلامی با استفاده از "قاعده جری و تطبیق" است. همچنین ترابط بیانیه گام دوم با عوامل زمینه ساز حاکمیت صالحان را بیان می کند.

۳. معنایابی واژگان کلیدی آیه ۵۵/نور

الف) وعد

واژه وعد در لغت به معنای عهد است (قرشی، ۱۳۷۱: ۲۲۷/۷) و در اصطلاح عبارت است از تعهد کردن به انجام امری خواه آن امر خیر باشد یا شر و اختصاص پیدا کردن به یکی از آن دو نیاز به قرینه معین دارد (مصطفوی، ۱۳۸۰: ۲۱۹/۳) و عده از راه تفضل خداوند بر بندگان است نه استحقاق آنان زیرا مومن هر چه ایمانش کاملتر باشد و اعمال صالحه او زیادتر باشد نمی تواند شکر کوچکترین نعمت های الهی را بجا آورد تا مستحق دریافت آن وعده ها گردد (طیب، ۱۳۷۸: ۲۷۵/۹). تصویر این است: آنچه از ظاهرایه و عبارات و جملات به دست می آید این است که خداوند در سرآغاز این آیه به عموم مومنان صالح در خصوص سرنوشت و آینده جهان یک وعده مسرت بخش و امیدوارانه می دهد.

ب) استخلاف

این واژه از ریشه «خلف» به معنای چیزی است که دنبال چیزی بیاید حالا یا از جهت زمان یا مکان و یا کیفیت. از جمله مشتقات این واژه "خلافت" به معنای جانشینی است. این جانشینی یا به خاطر مرگ منوب عنه است یا غائب بودن آن و یا شرافت جانشین است که جانشینی اولیاء الهی بر روی زمین از همین نوع است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۹۴) از نظر

اصطلاحی درک مفهوم "استخلاف" با موضوع آیه مورد نظر ارتباط مستقیم دارد. در رابطه با این لفظ در قرآن سه نوع معنا می تواند داشته باشد:

۱. جانشینی و استخلاف طبیعی مانند (آیه ۱۶۵/انعام و ۳۹/فاطر) که نسلی جایگزین نسل دیگری می شوند. که نسل مستخلف بطور طبیعی مالک تمام دارایی های گذشتگان خود می شوند که این یکی از سنتهای الهی است.

۲. استخلاف به معنای وراثت از پیشینیان است که خدا قومی را که عناد ورزیده و ناسپاسی نعمات خدا را کرده هلاک می کند و قوم دیگری را وارث سرزمین آنان می کند. در این نوع فقوم سلف دچار فساد و تباهی شده و قوم جانشین و خلف در ناامنی بسر برده اند. اینان مومنان صالحی هستند که بعد از جانشینی از اقتدار و تمکن برخوردار می شوند قرآن این مورد را در باره قوم نوح و قوم بنی اسرائیل بیان کرده است (اعراف/۱۲۹، ۱۲۸ و ۱۳۷. یونس/۷۳). این نوع از استخلاف نیز مانند نوع اول از سنتهای الهی است که خدا بعد از امتحان مومنان مقام استخلاف و توارث زمین و اقتدار و امنیت را به آنان می بخشد و این سنت برای همگان جاری است (یونس/۱۳ - ۱۴) بیشتر مفسران استخلاف در آیه را از همین نوع می دانند.

۳. استخلاف مخصوص انبیاء و اوصیاء از ناحیه حق تعالی است. که حجت بر روی زمین هستند و زمین هیچگاه از این خلیفه الهی خالی نمی باشد. (مهدیان فر، ۱۳۹۶، مطالعات تفسیری)

ج) تمکین

تمکین هر چیزی برقرار کردن آن در یک مکان است و این کنایه از پایداری و عدم تزلزل است. این واژه از ریشه «مکن» به معنای استقرار با قدرت است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۵۱/۱) و منظور از تمکین دین استقرار با قدرت و استحکام برای بهره مندی است (همان/۱۵۲)

۴. تحلیل، بررسی و تفسیر آیه کریمه از منظر مفسران امامیه

سوره نور سوره‌ای مدنی است که بعد از هجرت بر پیامبر ﷺ نازل شده است. بخشی از احکام شریعت که در مدینه از طرف رسول اکرم ﷺ برای جامعه اسلامی تبیین و ابلاغ شده است شاهد این مطلب است. این سوره دارای ۶۴ آیه است. آیه ۵۵ این سوره دارای محورهای مختلفی است. محور اول که سرآغاز آیه تلقی می‌شود بشارتی است از ناحیه خداوند متعال به مومنان صالح تافشارها و سختی‌ها آنها را مایوس نکند. چراکه در فراروی انسانهای مؤمن خداوند وعده مسرت بخشی داده است و این وعده محقق خواهد شد.

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (نور: ۵۵)

«خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین [دیگران] کند، همان‌گونه که پیشینیان آنان را جانشین [دیگران] کرد، و قطعاً دینشان را که برای آنان پسندیده به سودشان استوار و محکم نماید، و یقیناً ترس و بیمشان را تبدیل به امنیت کند، [تا جایی که] فقط مرا پرستند [و] هیچ چیزی را شریک من نگیرند. و آنان که پس از این نعمت‌های ویژه ناسپاسی ورزند [در حقیقت] فاسق‌اند.»

در شان نزول آیه ابی بن کعب گوید: هنگامی که پیامبر خدا وارد مدینه شد و انصار او را مأوی دادند، تمام عرب به دشمنی آن‌ها برخاستند. شب‌ها با سلاح می‌خوابیدند و روزها سلاح را از خود جدا نمی‌کردند. گفتند: آیا روزی خواهد آمد که ما در امن و آرامش به سر بریم و فقط از خدا بترسیم؟ از این رو آیه نازل گردید. (طبرسی: ۱۳۶۰: ۱۷ / ۱۶۴). با توجه به سیاق آیات که سخن از اطاعت و فرمانبرداری از خدا و رسول ﷺ را بیان فرموده است در این آیه گویا نتیجه این اطاعت را بیان می‌دارد که خداوند به گروهی از مومنان که مزین به عمل صالح هستند چندمژده می‌دهد:

۱. استخلاف و حکومت بر روی زمین

۲. تمکن و استقرار اسلام ولایی بر زمین

۳. فراگیری امنیت و رخت بر بستن خوف از اهل حق

۴. فراگیر شدن عبودیت الهی و یکتاپرستی بر زمین

ظاهرایه شریفه گویای این نکته است که وعده بیان شده در آیه شریفه، نسبت به مومنان صالح است. اکنون این مومنانی که دارای عمل صالح هستند و مورد بشارت قرار گرفته اند چه کسی و یا چه کسانی هستند؟.

۱. دیدگاه عمومی مفسران امامیه و شاید نزدیک به اتفاق نظر این است که مراد از مومنان صالح پیامبر ﷺ و ائمه معصومین و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است.^۱

۱ در تفسیر فرات کوفی، تفسیر علی ابن ابراهیم قمی، تفسیر تبیان شیخ طوسی، تفسیر مجمع البیان شیخ طبرسی، و دیگر آثار تفسیری دانشمندان شیعه امامیه دارای این رای عمومی هستند. (تفسیر فرات الکوفی،

ص: ۲۸۸) (تفسیر القمی، ج ۲، ص: ۱۰۸)

(مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص: ۲۴۰)

فُرَاتُ [بْنِ اِبْرَاهِيمَ] قَالَ حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بِشْرٍ الْقَطَّانُ [قَالَ حَدَّثَنَا حُرَيْثُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا اِبْرَاهِيمُ بْنُ الْحَكَمِ بْنِ اَبَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ السُّدِّيِّ] عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ [رَضِيَ اللهُ عَنْهُ] فِي قَوْلِهِ [قَوْلِ اللهِ] تَعَالَى وَعَدَّ اللهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ إِلَى آخِرِ الْأَيَّةِ قَالَ نَزَلَتْ فِي آلِ مُحَمَّدٍ ص. (تفسیر فرات الکوفی، ص: ۲۸۸)

تفسیر القمی، ج ۲، ص: ۱۰۸

«قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ» قال ما حمل النبي ص من النبوة «وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ» من الطاعة ثم خاطب الله الأئمة و وعدهم أن يستخلفهم في الأرض من بعد ظلمهم و غضبهم فقال: «وَعَدَّ اللهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» إلى قوله «لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئاً» و هذا مما ذكرنا أن تأويله بعد تنزيهه

مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص: ۲۴۰

اختلف في الآية فقيل إنها واردة في أصحاب النبي ص و قيل هي عامة في أمة محمد ص عن ابن عباس و مجاهد و المروى عن أهل البيت عليهم السلام أنها في المهدي من آل محمد ص و روى العياشي بإسناده عن علي

٢. برخی از اندیشمندان حوزه دانش تفسیر از جامعه علمی شیعه امامیه هم رای باین تفسیر نیستند از جمله محمد جواد مغنیه در تفسیر الکاشف بعد از اینکه درباره عبارت ﴿الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ نظر دیگران را مطرح می‌کند^۱ می‌فرماید: نظر من این است که

بن الحسين عليه السلام أنه قرأ الآية وقال هم والله شيعتنا أهل البيت يفعل الله ذلك بهم على يدى رجل منا وهو مهدي هذه الأمة وهو الذى قال رسول الله ص لو لم يبق من الدنيا إلا يوم واحد لطول الله ذلك اليوم حتى يلى رجل من عترتى اسمه اسمى يملأ الأرض عدلا و قسطا كما ملئت ظلما و جورا و روى مثل ذلك عن أبى جعفر عليه السلام و أبى عبد الله عليه السلام فعلى هذا يكون المراد بالذين آمنوا و عملوا الصالحات النبى و أهل بيته صلوات الرحمن عليهم و تضمنت الآية البشارة لهم بالاستخلاف و التمكن فى البلاد و ارتفاع الخوف عنهم عند قيام المهدي عليه السلام منهم و يكون المراد بقوله «كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» هو أن جعل الصالح للخلاف خليفة مثل آدم و داود و سليمان عليه السلام و يدل على ذلك قوله إني جاعل في الأرض خليفة و يا داودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ و قوله فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا و على هذا إجماع العترة الطاهرة و إجماعهم حجة لقول النبى ص إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله و عترتى أهل بيتى لن يفترقا حتى يردا على الحوض

و أيضا فإن التمكين فى الأرض على الإطلاق لم يتفق فيما مضى فهو منتظر لأن الله عز اسمه لا يخلف وعده.
١. (تفسیر الکاشف، ج ٥، ص: ٤٣٦)

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾.
ظاهر الآية يدل على ان آية امة تومن بالله و رسوله، و تلتزم العمل بشريعته فان الله يستخلفها و يمكن لها فى الأرض كان على ربك حتماً مقضياً..

و قد أخذ بعض المفسرين بهذا الظاهر، ثم شرع يشرح و يفسر معنى الايمان و العمل الصالح و حدودهما و قيودهما.

أما نحن فمع الذين قالوا: ان المقصود بالآية هم النبى و الصحابة خاصة، فإنهم لاقوا الكثير من الأذى و العناء فى ذات الله قبل الهجرة و بعدها، و رماهم المشركون و اليهود عن قوس. واحدة، و كانوا، و هم فى المدينة الى عام الفتح، لا يصبحون و لا يمسون إلا مع السلاح، حتى قال قائلهم - كما فى تفسیر الطبرى - ما يأتى علينا يوم نأمن فيه، و نضع عنا السلاح.. فقال له النبى (ص): لا تعبرون يسيرا حتى يجلس الرجل ليس معه سلاح. و تحقق وعد الله و رسوله، فما مضت الأيام حتى عاشوا آمنين على أنفسهم و أموالهم، و حكموا البلاد العربية كلها، و فتحوا الكثير من بلاد المشرق و المغرب.

مراد از این خطاب الهی پیامبر اکرم ﷺ و اصحاب خاص ایشان است. علت راهم بیان می کند این که:

قبل از هجرت پیامبر و مومنان پارسا و پرهیزگار همراه با ایشان، در راه تقویت اسلام رنجها و آزار بسیار متحمل شدند. خداوند این بشارت را به آنان داده است که بعد از این، آن ها خلیفه روی زمین خواهند بود و وراثت زمین از آن ایشان می شود. (جواد مغنیه: ۵: ۱۴۲۴ / ۴۳۶) رای جواد مغنیه بنظر می رسد با سبب نزول آیه شریفه اندکی همراهی دارد هر چند ایشان به سبب نزول در ذیل آیه اشاره نمی کند ولی تصور بر این است که این رای و سخن ایشان ناظر به اخبار سبب نزول آیه است و تا اندازه ای هم سبب مفسران اهل سنت است.

۳. از سوی دیگر دیدگاه علامه طباطبائی هم اندکی متفاوت برای عموم مفسران شیعه است. علامه می فرماید:

در جمله ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ کلمه «من» تبعیضی خواهد بود نه بیانی، و خطاب در آن، به عموم مسلمین است که در میان آنان، هم منافق هست و هم مؤمن، و مؤمنین ایشان نیز دو طایفه اند، یکی کسانی که عمل صالح می کنند، و گروه دیگر آنان که عمل صالح ندارند، ولی وعده ای که در آن آمده مخصوص کسانی است که هم ایمان داشته باشند و هم اعمالشان صالح باشد و بس. (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۵ / ۲۰۹)

از منظر ایشان این وعده که خدا فرموده اختصاص به مومنان صالح دارد هر چند خطاب آیه عموم مسلمین است اما وعده بر استخلاف بر زمین اختصاص به مومنان صالح دارد. در واقع ایشان نظرگاه سایر مفسرین را رد می کند و می فرماید:

بعضی دیگر گفته اند: این آیه مربوط به مهدی موعود عجل الله فرجه است، که اخبار متواتر از ظهورش خبر داده، و فرموده که: زمین را پر از عدل و داد می کند همان طور که پر از ظلم و جور شده باشد، و مراد از "الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ" رسول خدا صلى الله عليه وآله و ائمه اهل بیت او عليهم السلام است. ولی آنچه از سیاق آیه شریفه به نظر می رسد صرف نظر از مسامحه هایی که چه بسا بعضی از مفسرین در تفسیر آیات قرآنی دارند، این است که بدون

شک آیه شریفه درباره بعضی از افراد امت است نه همه امت و نه اشخاص معینی از امت، و این افراد عبارتند از کسانی که مصداق "الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ" بوده باشند، و آیه نص در این معنا است، و هیچ دلیلی نه در الفاظ آیه و نه از عقل که دلالت کند بر این که مقصود از آنان تنها صحابه رسول خدا، و یا خود رسول خدا ﷺ و ائمه اهل بیت (علیهم السلام) می باشد نیست، و نیز هیچ دلیلی نیست بر این که مراد از "الذین" عموم امت بوده، و اگر وعده در آیه متوجه به طایفه مخصوصی از ایشان شده به خاطر صرف احترام از آنان یا عنایت بیشتر به آنان بوده باشد، زیرا همه این حرفها سخنانی خود ساخته و بی دلیل است. (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۵ / ۲۱۴)

این ۳ دیدگاه در مجموع آراء مفسران شیعه امامیه در خصوص صدر آیه آمده است. در برابر این نظرات مفسران اهل سنت هستند. دراینکه مخاطبان "الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ" چه کسانی هستند و این وعده الهی برای چه افرادی از امت مسلمان واقع شده است اختلاف نظر شدید دارند و نمی شود میان آنها یک رای مورد اتفاق را بیان کرد.^۱

۱. مفسران اهل سنت در این که "الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ" چه کسانی هستند پراکندگی دیدگاه دارند:

۱. عده ای از مفسران اهل سنت می گویند مراد پیامبر و اصحاب ایشان هستند.
 ۲. عده ای بر این عقیده اند که منظور پیامبر و کسانی از امتند که سالیان سال همراه آن حضرت بوده اند.
 ۳. عده ای بر این باورند که مراد همه مومنان از هر جماعت در هر زمان است یعنی معتقدند که این خطاب همیشگی است و خداوند این وعده را به مومنان صالح در همه دوران ها داده است.
 ۴. عده ای گفته اند مخاطب آیه شریفه تنها اصحاب پیامبرند.
 ۵. عده ای هم بیان کرده اند که منظور عموم امت اسلامی است.
- بنابراین رای مفسران اهل سنت در خصوص این فقره از آیه واحد نیست البته تمایل غالب آن ها این است که منظور پیامبر اکرم ﷺ و اصحاب آن حضرت هستند

۵. شاخصه‌های حاکمیت صالحان در عصر ظهور با محوریت آیه ۵۵ / نور

۱.۵. استخلاف بر روی زمین

یکی از محورهای آیه، عبارت «لَيْسَتْ خُلَفَاؤُهُمْ فِي الْأَرْضِ»^۱ می‌باشد که خود از دو واژه «استخلاف» و «الأرض» تشکیل شده است اکنون این دو واژه به چه معنا هستند؟

در بیان معنایابی واژه «استخلاف» میان مفسران شیعه امامیه سه دیدگاه وجود دارد:

الف) یک دیدگاه شیخ طوسی^۱ در التبیان است که در ردّ نظرگاه مفسران اهل سنت که استخلاف^۲ را به معنای امارت، امامت، و خلافت گرفته‌اند می‌فرماید: این عبارت به معنای دنباله روی و پیروی از گذشتگان است.^۳ و اصلاً به معنای جانشینی و حاکمیت نیست بلکه به این معناست که: خداوند در عصر پیامبر ﷺ دشمنان حضرت را نابود کرد و دین حق را آشکار نمود و پیامبر به دنباله روی از انبیاء گذشته عمل نموده است.^۴ چنان که در ادامه می‌فرماید: «كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ».

ب) دیدگاه دوم، نظر بسیاری از مفسران امامیه از جمله از عصر طبرسی تا به امروز است

۱. ان الاستخلاف - هاهنا - ليس هو الامارة و الخلافة. بل المعنى هو ابقاؤهم فى أثر من مضى من القرون، و جعلهم عوضاً منهم و خلفاً.

و لو سلمنا أن المراد بالاستخلاف الامامة للزم أن يكون منصوباً عليهم، و ذلك ليس بمذهب اكثر مخالفيها، و إن استدلوا بذلك على صحة إمامتهم احتاجوا أن يدلوا على ثبوت إمامتهم به غير الآية، و انهم خلفاء الرسول حتى تتناولهم الآية. (التبيان فى تفسير القرآن، ج ۷، ص: ۴۵۸ - ۴۵۷)

۲ اهل سنت بعد از این معنا بیان میدارند که مراد از آیه خلافت و امامت خلفاء ثلاثه و یا رابعه است. و آیه را دلیل و نص بر مشروعیت خلافت و امامت این خلفاء مطرح می‌کنند. در صورتی که آنان معتقدند که هیچ نصی نه در قرآن و نه در روایات نبوی مبنی بر اینکه خداوند جانشینی برای رسول خدا برگزیده باشد وجود ندارد. و این ادعای آنان با اعتقاداتشان در تنافی است.

۳ در لغت استخلاف از خلف باختلاف در وزن این لفظ می‌باشد که به معنای دنباله روی است از پیشینیان و گذشتگان

۴ صاحب التبیان برای معنایابی استخلاف به آیاتی مانند: ۳۹ / فاطر، ۱۲۸ / اعراف، ۶۲ / فرقان استناد می‌کند.

که استخلاف رابه معنای امامت و خلافت الهی برای حضرات معصومین تفسیر کرده اندوآیه را به طور خاص بشارت به ظهور مهدی آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و خلافت و امامت آن حضرت برشمرده اند.

مبنا و اساس این تفسیر از عبارت «يَسْتَخْلِفُنَّهُمْ»، روایات حضرات معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَامُ است که استخلاف را اینگونه تفسیر نموده اند.^۱

ج) رای سوم اندیشه علامه طباطبائی است. ایشان معتقدند که "استخلاف" درآیه به معنای خلافت و امامت نیست بلکه به معنای وراثت بر زمین است. به این بیان که "خداوند به مومنان صالح بشارتی امیدبخش داده است که آنان درآینده با قدرت و شوکت بر روی زمین حاکمیت پیدا می کنند و دین حق را که مورد رضاء خدا است برپا می دارند و از هرگونه ترس و خوفی در امنیت کامل بسر میبرند و خدا را میپرستند و از هرگونه شرکی بدور هستند. مراد وراثت و حاکمیت مومنان صالح بر زمین است لذا علامه معتقد است که:

آیه شریفه درباره برخی از افراد امت است نه همه امت و نه اشخاص معینی از امت و مراد از این افراد جامعه مؤمنین صالح است، کسانی که مصداق " الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا

۱ درباره این آیه اختلاف است. برخی گویند: درباره پیامبر است. برخی گویند: درباره امت است. از ائمه اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ روایت است که درباره مهدی آل محمد است.

امام چهارم عَلَيْهِ السَّلَامُ این آیه را خواند و فرمود: بخدا آن ها شیعه مایند که خداوند به دست مردی از ما که مهدی این امت است، این وعده ها را درباره آن ها انجام می دهد. پیامبر خدا درباره او فرمود: اگر از دنیا یک روز مانده باشد، خدا آن روز را طولانی می سازد تا مردی از عترت من که همان من است، زمامدار شود و زمین را بعد از آن که پر از ظلم و جور شده، پر از عدل و داد کند. نظیر همین روایت از امام باقر و امام صادق عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نیز روایت شده است.

پس منظور از «الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» پیامبر و اهل بیت است. این آیه آن ها را مژده می دهد که خلیفه می شوند و در تمام بلاد قدرت را به دست می گیرند و در وقت قیام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ ایمن خواهند شد.

(ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، ص: ۱۶۴)

الصَّالِحَاتِ" بوده باشند و آیه نص در این معنا دارد. و اینان در واقع وارثان زمین می‌شوند و در آن عصر می‌توانند تصرفات داشته باشند و مراد از استخلاف آنان در زمین نظیر استخلاف نیاکان و امم گذشته این است که اجتماعی صالح از آنان تشکیل دهد، که زمین را ارث ببرند، آن‌طور که نیاکان و امم گذشته صاحبان قوت و شوکت ارث بردند، و این استخلاف قائم به مجتمع صالح ایشان است، نه به افراد معینی از ایشان، هم چنان که در امتهای قبل از ایشان قائم به مجتمع بود. (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۵/ ۲۱۴)

در پایان علامه می‌فرماید:

این مجتمع طیب و طاهر با صفاتی که از فضیلت و قداست دارد هرگز تاکنون در دنیا منعقد نشده، و دنیا از روزی که پیامبر ﷺ مبعوث به رسالت گشته تا کنون، چنین جامعه‌ای به خود ندیده، ناگزیر اگر مصداقی پیدا کند، در روزگار مهدی ﷺ خواهد بود، چون اخبار متواتری که از رسول خدا ﷺ و ائمه اهل بیت ﷺ در خصوصیات آن جناب وارد شده از انعقاد چنین جامعه‌ای خبر می‌دهد، البته این در صورتی است که روی سخن در آیه را متوجه مجتمع صالح بدانیم، نه تنها حضرت مهدی ﷺ. (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۵/ ۲۱۵)

پس حق مطلب این است که اگر واقعا بخواهیم حق معنای آیه را به آن بدهیم (و همه تعصبات را کنار بگذاریم) آیه شریفه جز با اجتماعی که به وسیله ظهور مهدی ﷺ به زودی منعقد می‌شود قابل انطباق با هیچ مجتمعی نیست. (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۵/ ۲۱۴)

لذا علامه در برابر روایات متواتر موضع‌گیری خود را اینگونه تشریح می‌کند که: اگرچه خطاب آیه استخلاف عموم مؤمنین صالح است ولی تطبیق واقعی آن بر مهدی آل محمد ﷺ در دوران ظهور است.

در خصوص معنای "الارض" در میان مفسران امامیه دیدگاه همگانی هم "کل زمین" و همه جهان منظور نظر است نه بخشی از زمین و یا سرزمین خاصی مثل مکه یا مدینه (که دیدگاه مفسران اهل سنت هم بر این گونه از بیان و معنا هم است).

۲.۵. تمکین و استقرار اسلام ولایی بر زمین

اکثریت مفسران اسلامی شیعه و اهل سنت بر این نظراتفاق دارند که منظور از "تمکین" ثبات دین، تثبیت دین است و مومنان صالح در آن دوره دارای ثبات دین و ثبات قدم در دینشان هستند و با قوت و شوکت در آن عصر از هرگونه لغزش در دین و هر نوع تفرقه‌ای بدورند. یعنی هیچ گونه ضعف و نقصی در اعمال و وظائف و مسئولیتهای دینی و دیگر ابعاد تکالیف فردی و اجتماعی خود ندارند تحریف در دین ندارند لرزه و لغزش، دوگانگی و تفرق اعتقادی و فکری در دینشان ندارند لذا دارای ثبات و استقامت و استواری در عمل و عقیده و دینشان هستند. دینی که مورد خشنودی و رضایت الهی است که منظور دین اسلام است و مویذ این مطلب آیه ۳: مائده است که میفرماید: "الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا". اسلام آخرین و برترین و کامل‌ترین آیین ادیان آسمانی است که آیات ۱۹: آل عمران (ان الدین عند الله الاسلام....) و آیه ۸۵: آل عمران (ومن یتبع غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه...) به این مطالب اشاره دارد. امام زمان عجل الله تعالی فرجه بابرپایی حکومت خود در صدد برمی آید تا نقطه‌ای از زمین باقی نماند مگر نور اسلام در آنجا بتابد و این همان مفهوم غلبه و پیروزی نهایی اسلام بر دیگر ادیان در دوره پایانی جهان است. که در سوره توبه: ۳۳ بدان اشاره دارد.

علامه طباطبائی ذیل فرازی از آیه ۵۵ / نور میفرماید

مراد به تمکین دینشان آن دین است که برایشان پسندیده و به دین اسلام معروف می‌شوند و دین اسلام را دین ایشان می‌داند هر چند هفتاد و سه فرقه شوند و هر فرقه‌ای فرق دیگر را کافر بداند و بعضی خون بعضی دیگر را مباح بشمارد و عرض و مال او را حلال بداند. (المیزان، ج ۱۵، ص ۲۲۲)

در مقابل این نظراکثر، نظریه دیگری است که برخی معتقدند مراد از "تمکین دین" غلبه دین است برخی می‌گویند منظور "انتشار و توسعه" آن دین است، برخی می‌گویند "عزت و شوکت دین" است. باید گفت که این نوع تفسیر، بیان لفظ است به لوازمات لفظ. معنای

وضع‌ی لفظ تمکین، همان ثبات و استواری و پایداری و تثبیت است و بقیه معانی از لوازمات آن است که به همراه تثبیت دین هم خواهند آمد.

۳.۵. فراگیری امنیت و ازبین رفتن خوف و اندوه

درفرازی ازاین آیه آمده است که میفرماید: **وَلْيَبَدِّلْهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا** یعنی به همه مومنان صالح بعداز خوف و ترس از دشمنان ایمنی کامل را عطا می کند. یکی از مولفه‌های حاکمیت دین حق در عصر ظهور بوجود آمدن امنیت و آرامش بعداز خوف است. خداوند درپرتو استخلاف و تمکن دین و تثبیت و استواری دین اسلام وعده‌ای که به مومنان صالح می دهد این است که خوف و اندوه آنها را به امنیت مبدل می سازد. امنیت یکی از مهم ترین دغدغه‌های بشریت در طول تاریخ بوده است لذا خداوند یکی از ضروریات زندگی بشر را در عصر ظهور مژده می دهد. در سایه امنیت انسان‌ها به بسیاری از خواسته‌ها و نیازهای فردی و اجتماعی خود می‌رسند. رابطه آنان در پرتو امنیت می‌تواند عمیق و برادرانه و بدور از خشونت و تعدی و ظلم بوده و همسو با عدالت برقرار شود. لذا خداوند این نیاز همگانی بشر را در آیه به عنوان یکی از ثمرات حاکمیت بندگان مؤمن و صالح خود معرفی می نماید. همواره جوامع بشری از خشونت و تعدی و ظلم و ستم و بی عدالتی که بعضا نتیجه عدم امنیت در جامعه می باشد در رنج و فشار بوده و قرن‌ها امیدوار به تحقق حاکمیت عدالت در گستره جهان بوده‌اند این آرزو به عنوان یک شاخص مهم در تنظیم نظام اجتماعی از گذشته مطرح بوده است. بنابراین دیده می‌شود که یکی از مولفه‌های اساسی و بنیادین عصر ظهور ایجاد امنیت می باشد.

۴.۵. فراگیر شدن عبودیت الهی بر زمین

هدف نهایی از فراهم آمدن حکومت عدل، ریشه دار شدن آیین حق، گسترش امنیت و آرامش که همراه با استحکام پایه‌های عبودیت و توحید است می باشد. چنانچه در آیه ۵۶/ ذاریات بدان اشاره شده است: **"ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون"**. باید توجه کرد که

عبادت خالی از هرگونه شرک و نفی هر نوع قانون غیرالهی، فقط با ایجاد یک حکومت عادل امکان پذیر است. برای همین انبیاء الهی تمام تلاششان تشکیل چنین حکومتی بوده است چنانچه در تاریخ اسلام دیده می شود یکی از اقدامات اولیه پیامبر اکرم ﷺ تشکیل نمونه ای از این حکومت بوده است. معنویت و عبودیت یکی از شاخصه های حکومت عصر ظهور و حاکمیت مومنان صالح است که در فرازی از این آیه بدان اشاره شده است. ﴿يَعْبُدُونِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾. حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه استمرار حرکت هدفمند رسالت پیامبران بزرگ الهی به خصوص آخرین سرسلسله آنان رسول اکرم ﷺ است. شناخت و قرب به خداوند و عبودیت الهی یکی از محورهای اصلی رسالت انبیاء و پیرو آن یکی از اهداف مهم حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه است.

۶. انقلاب اسلامی ایران یکی از مصادیق تحقق وعده الهی

انقلاب اسلامی ایران بنا به فرمایش رهبر معظم انقلاب در موقعیتی ظهور کرد که جهان میان دو قدرت شرق و غرب تقسیم شده بود و کسی این گمان به ذهنش خطور نمی کرد که بتوان هیمنه این قدرتها را به تزلزل درآورد. این حرکت آزادخواهانه استکبار ستیز همراه با ایمان به قدرت لایزال الهی مردم ایران بود که لریزه براندام پوشالی این دو ابرقدرت وارد کرد. با گذشت چهل دهه یکی از آن دو کانون دشمنی نابود شده و دیگری با مشکلات عدیده ای روبه رو می باشد (ر. ک: امام خامنه ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ۹۷/۱۱/۲۲ <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/41673>) که بزودی بمانند کشتی تایتانیک دستخوش امواج طوفانی شده و در اعماق دریای پرتلاطم حرکت انسانهای عدالتخواه و ظلم ستیز غرق خواهد شد.

انقلاب بزرگ اسلامی ایران دارای یک عقبه الهی بوده و با شعارهایی که با فطرت بشری سرشته شده است قد علم کرده است و یکی از عوامل ماندگاری این انقلاب پایبند بودن به همین آرمانها و شعارها می باشد. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت برادری، بخشی از ارزشهای فطری این انقلاب عظیم است که رهبر حکیم و فرزانه

ما در بیانیه گام دوم انقلاب بدانها اشاره نموده است. (ر-ک: امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ۲۲/۱۱/۹۷ <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/41673>)

ریشه‌های اصلی این انقلاب در فرهنگ قرآن جای دارد بعنوان نمونه آیاتی مانند آیه ۵۵/نور و هم چنین آیات ابتدایی سوره قصص که همگی ترسیم جهان انسانهایی را دارد که در ظلم و ستم و بی عدالتی زندگی کرده و به استضعاف کشیده شده بوده‌اند ولی اراده الهی بر آن شد که آنان را از وارثان زمین قرار دهد چرا که با اتکاء به ایمان و نیروی استقامت و جهاد در راه خدا قیام نمودند. خداوند نیز آنان را یاری نمود و وعده خود را درباره این امت‌ها تحقق بخشید.

یکی از امت‌هایی که با شعار ظلم ستیزی و عدالت‌خواهی و آزادی و حاکمیت الهی قیام نمود ملت بزرگ ایران بود. اکنون این ملت اسلامی در تداوم انقلاب خود همانگونه که الهی عمل کرده است بدنبال آن است که الهی گام بردارد. وعده الهی این است که اگر ملتی قدر نعمات الهی خود را بداند و به سخن رهبران الهی خود گوش فرادهد حرکتش موفق‌آمیز بوده و حاکمیت و وراثت بر سر زمین خود را بدست خواهد گرفت.

این مژده‌ای است که پروردگار در جای جای قرآن بدان اشاره کرده است. و یکی از این آیات، آیه ۵۵/نور است. ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ﴾

گرچه تحقق اکمل و تام این وعده در عصر ظهور ولایت عظمی امام زمان عجل الله تعالی فرجه می‌باشد ولی از آنجایی که وعده خدا به عموم مومنان صالحی است که در هر دوره نیک عمل میکنند و به فرامین خدای خویش گوش جان می‌سپارند بنابراین بعید نیست که این مژده حاکمیت در مقطع کوچکی در عصر انقلاب اسلامی ایران عملی شود. ظاهراً خطاب آیه شریفه اولاً همه مومنان صالح می‌تواند باشد. ولی می‌تواند مخاطب خاص هم داشته باشد. قرینه این ادعا روایات حضرات معصوم علیهم السلام است و هم چنین از ظهور آیه این مطلب به دست می‌آید. عبارت "لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ" اشاره به این مهم دارد که آیه نه تنها عموم مومنان

صالح را دربرمی گیرد بلکه مصداق خاص راهم شامل می شود که همان حضرات معصوم علیهم السلام هستند. که بشارت به آخرین وصی و حجت الهی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است. عبارت *لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ* می فرماید که آنان ولایت و خلافت بر زمین را بعهدده می گیرند چنان که در روایات هم همین مطلب ذکر شده است.

بنابراین سرآغاز این آیه حکایت از دو خطاب برای جامعه بشری دارد. در این جا ممکن است ذهن هر قرآن پژوهی بر این مسئله مشغول شود که چگونه امکان دارد یک عبارت و گزاره دارای معنای مشترکی باشد و دو مخاطب "عام و خاص" را مقصود نظر داشته باشد؟

کلیدواژگان اصلی این گزاره دو واژه "الَّذِينَ آمَنُوا" و "عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ" است. زمانی که به مجموعه منظومه و وابسته به هم در قرآن دقت شود، به این حقیقت رهنمود می شویم که دو لفظ "ایمان" و "عمل صالح" مجموعه گزاره هایی هستند که غالباً در آیات قرآن در ردیف هم وهم نشین بایکدیگر قرار می گیرند. این دو هم صدا وهم نوا باهم، چنان اثر معنایی بر یکدیگر دارند که ایمان بدون عمل صالح کم بهاء و عمل صالح بدون ایمان، موجب بی ارزشی آن عمل می گردد. آنچه که ارزش دهنده اعمال شایسته در نزد خداست آن اعتقاد و باور توحیدی والهی است. با این پیش فرض که ایمان و عمل صالح به عنوان دو رکن اساسی باورهای قرآنی است و این دو اختصاص به افراد خاصی ندارند و از طرفی این دو مقرون به تشکیک در مراتب هستند لذا می توان نتیجه گرفت که: کاملترین و قوی ترین و بیشترین ایمان و عمل صالح از آن حضرات معصوم است. به بیان دیگر مصداق اکمل "الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ" شامل این بزرگواران میشود و مرتبه نازل تر آن شامل عموم مؤمنین صالح از امت اسلامی است. روایات معصومین موید این تحلیل می باشد.

صاحب مجمع البیان میفرماید:

از ائمه اهل بیت علیهم السلام روایت است که درباره مهدی آل محمد است.

امام چهارم علیه السلام این آیه را خواند و فرمود: بخدا آن ها شیعه مایند که خداوند به دست مردی از ما که مهدی این امت است، این وعده ها را درباره آن ها انجام می دهد. پیامبر خدا

درباره او فرمود: اگر از دنیا یک روز مانده باشد، خدا آن روز را طولانی می‌سازد تا مردی از عترت من که همانم من است، زمامدار شود و زمین را بعد از آن که پر از ظلم و جور شده، پر از عدل و داد کند. نظیر همین روایت از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نیز روایت شده است. پس منظور از «الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» پیامبر و اهل بیت است. این آیه آن‌ها را مژده می‌دهد که خلیفه می‌شوند و در تمام بلاد قدرت را به دست می‌گیرند و در وقت قیام مهدی علیه السلام ایمن خواهند شد.

مقصود از «كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» این است که قبلاً هم خداوند افرادی را که صالح خلافت بوده‌اند، قدرت و خلافت بخشیده است. مثل آدم و داوود و سلیمان. شاهد آن این آیات است: ﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾ (در روزی زمین خلیفه‌ای قرار میدهم: بقره ۳۰) ﴿يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ﴾ (ای داود، تو را در روی زمین خلیفه ساختیم: ص ۲۶) ﴿فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا﴾ (آل ابراهیم را کتاب و ملک عظیم دادیم: نساء ۵۴).

در تفاسیر دیگر از تفاسیر روایی امامیه باهمین معناومفاد اشاره شده است که می‌توان نتیجه گرفت خطاب آیه دو مصداق خاص و عام دارد. روایات معصومین به‌عنوان قرینه منفصل برون متنی ما را در فهم بهتر آیه شریفه یاری می‌دهد. آنچه از استدلال و دیدگاه تفسیری علامه در خصوص این فراز آیه می‌توان استکشاف کرد این است که وقتی مراد از "الذین امنوا و عملوا الصالحات" می‌تواند عموم مؤمنین صالح باشند، بنابراین می‌توان همانگونه که یک مصداق آن حضرات معصوم می‌باشند مصداق دیگر و تمثیل نازلتر این مؤمنین با مراتب تشکیکی پایین‌تر بر مردم مؤمن و صالح دیگری از دیگر مردم مسلمان هم تطبیق شود.

به این بیان که آیه باتوجه به شان نزول (قرینه متصل برون متنی) و روایات (قرینه منفصل برون متنی) دارای خصوصیتی می‌باشد که بالغاء خصوصیت، مفهوم عامی از آیه استنباط میشود که بر اساس قاعده جری قابلیت تطبیق بر مصداق مشابه را دارد.

معنای عامی که از آیه اصطیاد می‌شود "تحقق وعده الهی در توارث و حاکمیت از برای مؤمنین صالح و بهره‌بری از امکانات دنیوی" می‌باشد. این وعده از آنجایی که یک وعده الهی است حتماً محقق می‌شود. "انّ وعد الله حق". و تحقق اکمل و اتم و در حد نهایی آن در عصر ظهور از آن ولی الله الاعظم امام زمان علیه السلام خواهد بود. ولی این بدان معنا نیست که تحقق آن در یک موقعیت و از برای امت مؤمن و صالح غیر از مصداق اکمل آن ناممکن باشد.

تصور می‌شود یکی از مصادیق این وعده در نمای کوچکتروضعیفتر در قالب انقلاب اسلامی ایران محقق شده است. این انقلاب با رهبری انسانی فرزانه و مومن که مزین به عمل صالح است ﴿الذین امنوا و عملوا الصالحات منکم﴾ با شعار ظلم ستیزی و برپایی عدالت و امنیت ﴿وَلَيَبْدَلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا﴾ و با محوریت عبودیت و بندگی خدا ﴿يَعْبُدُونِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾ قیام به قسط و عمل به دین نمود.

چنانچه علامه طباطبائی در تفسیر این آیه می‌فرمایند، مخاطب این وعده، عموم مومنان صالح می‌باشد. بر پایه تفسیر این مفسر عالم این معنا استکشاف می‌شود و بر اساس یکی از قواعد تفسیری به نام "قاعده جری" می‌توان این مورد را یکی از مصادیق این وعده الهی بر شمرد و آیه را بر آن "تطبیق" نمود. آیات قرآن در پذیرش جری و تطبیق مصداقی به سه گونه تقسیم می‌شوند: (۱) آیاتی دارای معانی عام و گسترده‌اند و شامل همه زمانها می‌شوند. (۲) آیات نازل شده درباره اقوام و اشخاص معین (۳) آیاتی که به بیان مثل و نمونه‌های طبیعی پرداخته‌اند. (بهجت پور، ۱۳۹۱: ۱۴۸)

۷. ترابط بیانیه گام دوم انقلاب و عوامل زمینه ساز حاکمیت مومنان صالح

پیدایش انقلاب اسلامی ایران برگرفته از قرآن و معارف عمیق آن بوده است. برای تداوم و حیات این انقلاب ضروری است که در سایه سار قرآن، دستورات فردی و اجتماعی را فرا بگیرد تداوم انقلاب اسلامی ایران با اعتماد به تحقق بشارتهای نجاتبخشی که خداوند در آیات متعددی در قرآن به مومنان صالح وعده داده است. می‌تواند عملی شود. در این امر مقام معظم رهبری بانوجه به حقانیت وعده‌های الهی، به امت اسلامی به ویژه به مردم انقلابی

ایران گوشزد می کنند که اگر امت اسلام، ایمان به نیروی لایزال الهی داشته و با اتکاء به همین نیروی ایمان وظایف الهی خود را انجام دهند، پیروز میدان حق بر علیه باطل خواهند بود و می تواند زمینه حاکمیت ولی الله الاعظم را فراهم نماید.

انقلاب اسلامی ایران در حالی چهلمین سالگرد پیروزی خود را پشت سر گذاشته و قدم به پنجمین دهه حیات خود نهاده است که مسئولیت سنگینی بردوش او نهاده شده است. این انقلاب در زمینه سازی حاکمیت الهی صالحان گام بلندی را در پیش رو دارد. باتکیه بر وعده های الهی که مؤمنین را تشویق و ترغیب کرده اورا به عاقبت مسرت بخشی برای تمام جامعه بشری امید می دهد. دنیا اکنون، اعتراف می کند که ملت انقلابی ایران با پشتوانه ایمان بخدا و استقامت در راه دشوار خود، قدم به جلو گذاشته و توانسته است الگویی برای تمام انسانهای آزاد اندیش و شجاع و قهرمان دنیا باشد

اهمیت گام دوم انقلاب همین بس که، انقلاب پر شکوه اسلامی ایران را به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی است نزدیک کرده و آمادگی طلوع خورشید ولایت عظمی امام زمان عجل الله تعالی فرجه را مهیا می کند در چنین نقطه عطفی رهبر فرزانه و حکیم انقلاب اسلامی با صدور بیانیه گام دوم انقلاب برای ادامه این راه روشن و پرفراز و نشیب، به تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهه گذشته پرداخته و به منظور جهادی بزرگ در جهت ساختن ایران اسلامی توصیه های مهم و اساسی ارائه فرموده اند که عملی شدن فرمایشات ایشان در تحقق حاکمیت مومنان صالح مؤثر می باشد.

۱.۷. اولین عامل زمینه ساز "اهمیت به علم و پژوهش":

یکی از ضروریات جامعه ای که بدنبال زمینه سازی حکومت مهدوی می باشد دوری از جهل و نادانی و مزین شدن به علم و دانش و پژوهش است. یکی از دستاوردهای حکومت مهدوی ارتقاء علمی و عقول مردمان و باز شدن باب علم است بطوری که امام با ظهورش از ۲۷ باب علم که تا قبل از ظهور حضرت فقط ۲ شاخه از آن شناخته شده بود بعد از این بیست و پنج شاخه دیگر علم را شناخته و در صحنه جهان منتشر می کند. در جامعه مهدوی به لحاظ

همین شکوفایی کامل علم و خرد و بیداری فطرت انسانی است که ارزشهای معنوی زنده می‌شود. و بشریت را در سایه این بلوغ، بسوی عقلانیت و دانش رهنمود می‌سازد. درخصوص اهمیت این مطلب حضرت آقامی فرماید:

دانش آشکارترین وسیله‌ی عزت و قدرت یک کشور استوروی دیگرانایی توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت. نفوذ و قدرت دو بیست ساله فراهم کند.... مابه سوءاستفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمی‌کنیم، اما موکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم..... ما اکنون حرکت را آغاز کرده و با شتاب پیش می‌رویم ولی این شتاب باید سالها باشدت بالا یابد تا آن عقب افتادگی جبران شود. (ر. ک: امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ۹۷/۱۱/۲۲، <https://khl.ink/f/41673> <https://farsi.khamenei.ir>)

۲.۷. معنویت و اخلاق عاملی دیگر برای ایجاد حاکمیت مومنان صالح

یک نظام حکومتی وقتی می‌تواند داعیه دار برتری والگوسازی برای دیگر نظامها و جوامع باشد که اهداف و برنامه‌های آن در جهت کمال و رشد انسان در تمام ساحت‌های زندگی او باشد. اگر برنلمه‌ها با توجه به ارزش‌های اخلاقی و نیازهای معنوی انسان نباشد شاهد رشد نامتوازن در سطح عمومی جامعه خواهیم بود (عظیمی فر، ص ۱۴۹: ۱۳۹۳). لذا یکی از توصیه‌های رهبری بحث معنویت و اخلاق است. با توجه به آن می‌توان زمینه‌سازی حاکمیت عصر ظهور را فراهم نمود. در حاکمیت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه‌ه به همان میزان که به موضوع عدالت در بعد اقتصادی و معیشت مردم و دوری از فقر توجه می‌شود به مسئله گسترش ارزش‌های اخلاقی و معنوی هم عنایت خاصی صورت می‌گیرد.

معنویت به معنی برجسته کردن ارزشهای معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است. اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمندان، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت دهنده همه حرکتها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز

اصلی جامعه است، بودن آن‌ها، محیط زندگی راحتی با کمبودهای مادی بهشت می‌کند و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند. شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد، این بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد داشت. (ر - ک: امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ۹۷/۱۱/۲۲ <https://khl.ink/f/41673> <https://farsi.khamenei.ir>)

۳.۷. اقتصاد قوی و پاک یکی از اولویتهای زمینه ساز حاکمیت صالحان:

حکومتها در صحنه مناسبات اجتماعی بطور برابر و یکسان با مردم معامله نمی‌کنند و این امر باعث اختلاف طبقاتی و ایجاد فاصله‌هایی میان مردم میشود که خود باعث تبعیض و بی‌عدالتی می‌گردد. اما در حکومت مهدوی ثروت و مال یکسان میان همگان توزیع می‌گردد و همین باعث ایجاد رفاه عمومی و آسایش می‌شود. در حکومت آن حضرت مردم به هر اندازه که نیاز دارند از بیت المال به شکل نامحدود و بی شمار به آن‌ها پرداخت می‌شود. از رسول خدا ﷺ در این باره چنین روایت شده است: در دوره پایانی (دنیا) خلیفه‌ای ظهور می‌کند که مال را تقسیم می‌کند و (لیکن) آن را نمی‌شمارد.

حضرت آقا در خصوص اهمیت اقتصاد چندین سال است که توصیه‌های زیادی به مردم و دولتمردان و فرهیختگان نموده است و این بیانگر اهمیت این مسئله می‌باشد و یکی از بندهای بیانیه گام دوم انقلاب به تبیین و اهمیت این گزینه می‌باشد. ایشان می‌فرمایند:

اقتصاد یک نقطه کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه قوت و عامل سلطه ناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف نقطه ضعف و زمینه ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در معنویات و مادیات بشر اثر می‌گذارد. البته اقتصاد هدف جامعه اسلامی نیست ولی وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدفها رسید. (ر - ک: امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ۹۷/۱۱/۲۲ <https://khl.ink/f/41673> <https://farsi.khamenei.ir>)

۴.۷. عدالت و مبارزه با فساد هدف اصلی حاکمیت صالحان:

موضوع حاکمیت صالحان یکی از دستاوردهای عقیده مهدویت در مذهب شیعه امامیه است. به این بیان که در دوره آخرالزمان شخصیتی صالح و والا مقام بنام مهدی آل محمد علیهم السلام که از خاندان نبوی است ظهور کرده و جهانی را که پراز ظلم و ستم گشته پراز عدل و داد می‌کند. این بشارت باعث اهمیت این موضوع شده چراکه بشریت همواره به دنبال حاکمیت، عدالت و امنیت بوده است. بنابراین بارزترین ویژگی حکومت امام زمان علیه السلام که مصداق اکمل حکومت صالحان در عصر پایانی تاریخ بشریت است که به آن شناخته می‌شود، عدالتخواهی و مبارزه با ظلم و ستم و نجات بشریت از بی‌عدالتی و مبارزه با فساد و خودکامگی انسانهای زورگو و متجاوزگراست. در دولت مهدوی با محوریت عدالت در همه ابعاد ساختار نظام سیاسی و اجتماعی به اجرا در می‌آید. در این راستا یکی از مواردی که رهبر حکیم انقلاب اسلامی بر آن تاکید دارند و بدان توصیه فرموده‌اند مسئله مبارزه با فساد و رعایت عدل و انصاف است. ایشان در این راستا می‌فرمایند:

عدالت در صدر هدفهای همه بعثتهای الهی است و جمهوری اسلامی نیز دارای همان شان و جایگاه است. این کلمه‌ای مقدس در همه زمانها و سرزمینها است و به صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولی عصر علیه السلام میسر نخواهد شد ولی به صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و فریضه‌ای بر عهده همه به‌ویژه حاکمان و قدرتمندان است. در جمهوری اسلامی آنچه تاکنون شده با آنچه باید میشده دارای فاصله‌ای ژرف است. در جمهوری اسلامی کسب ثروت نه تنها جرم نیست که مورد تشویق نیز هست، اما تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به‌ویژه خواری و مدارا با فریبکاران اقتصادی، که همه به بی‌عدالتی می‌انجامد بشدت ممنوع است. (ر - ک: امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir>)

<https://khl.ink/f/41673>

از آنچه بیان شد باتکیه بر آیات قرآن و روایات روشن می‌شود که مسیر حرکت جامعه بشری به سمت وسوی برپایی حکومتی واحد و جهانی با هدایت انسانی کامل و برگزیده از ناحیه

خداست. او منجی بشریت و بدنبال گسترش عدالت در سایه سار عقیده توحیدی است. این وعده‌ای است که خداوند به بشریت داده است و حاکمیت زمین را از آن مومنان صالح رقم زده است.. حقیقت این امر به دست نورانی ولی الله الاعظم امام زمان عجل الله تعالی فرجه است. در این میان ملت و نظام اسلامی ایران در راستای زمینه‌سازی حکومت آن حضرت به سمت جلو در حرکت است و به امید روزی که پرچم اسلام را به دست صاحبش بسپارد در تحقق ظهورش قدم بر میدارد. کما اینکه مقام معظم رهبری در بیانات خود به این مسئله اشاره دارد که:

بنده از هر جهت که محاسبه میکنم می‌بینم در این مواجهه ملت ایران در زیر سایه جمهوری اسلامی باندیای ظلم و استکبار و کفر، پیروز نهایی ملت ایران است. هم آیات قرآن و وعده الهی این را به ما نوید می‌دهد، هم تجربه این چهل سال این را برای ما عینی می‌کند. (بیانات در دیدار مجمع عالی فرماندهان سپاه، ۱۳۹۸/۷/۱۰، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/43632>)

۸. نتیجه‌گیری

موضوع مهدویت یکی از عقاید اختصاصی مذهب شیعه امامیه است به این بیان که در دوره آخرالزمان شخصیتی والا مقام از خاندان نبوی ظهور کرده و جهانی را که پراز ظلم و ستم گشته پراز عدل و داد می‌کند.

خداوند به خاطر فلسفه‌های گوناگون ایشان را در پرده غیبت حفظ کرده و بعد از دورانی که عالم ظرفیت حضورش را پیدا کند ظهور می‌کند. خداوند وعده حکومت جهانی ایشان را در آیات متعدد داده است.

یکی از آیاتی که به موضوع حاکمیت امام زمان عجل الله تعالی فرجه و توارث مؤمنین صالح در عصر ظهور اشاره دارد آیه ۵۵ / سوره نور می‌باشد.

علامه طباطبائی معتقد است که: خطاب آیه شریفه همه مومنان صالح است. ولی بنابر روایات وارده در ذیل آیه مصداق اکمل آن عصر ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه است. سنتهای الهی بیان شده در آیات قرآن، به مثابه قوانین عام و کلی هستند که با "الغاء خصوصیت‌های"

موجود در آیات، آنان رامیتوان استکشاف کرد و با جریان "قاعده جری و تطبیق" بر موارد مشابه که دارای خصوصیات و ویژگی‌های مورد بیان در آن مورد عام مشترک است تطبیق نمود

پژوهش حاضر بر این باور است که: از ظهور آیه ۵۵ / نور وهم چنین از عبارات موجود در آن متوجه میشویم که آیه در مقام بیان یک سنت الهی است که این سنت چون حکم عامی می‌باشد لذا شامل مصادیق دیگری به جز مورد خاص نزولش هم می‌شود. مصداق اتم و اکمل آن حاکمیت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر ظهور است موبداین مطلب روایات حضرات معصوم علیهم السلام ذیل آیه می‌باشد. ولی مصداق کوچکتر آن می‌تواند مورد دیگری که خصوصیت مورد خاص آیه را دارد هم شامل شود. بر این اساس انقلاب اسلامی ایران بنا بر قاعده جری و تطبیق می‌تواند از مصادیق عام آیه باشد.

تداوم انقلاب اسلامی ایران با اعتماد به تحقق بشارتهای نجاتبخشی که خداوند در آیات متعددی در قرآن به مومنان صالح وعده داده است، می‌تواند عملی شود. در این امر مقام معظم رهبری بانوجه به حقانیت وعده‌های الهی، ملت مسلمان ایران را راهبری کرده و توصیه‌هایی را در قالب "بیانیه گام دوم انقلاب" ایراد فرموده‌اند.

توصیه‌های رهبر فرزانه انقلاب در راستای زمینه‌سازی حاکمیت مومنان صالح و ولی الله الاعظم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌تواند کاربردی و مطرح باشد. محورهای برخی از توصیه‌های رهبری از این قرار می‌باشند: اهمیت به دانش و عقلانیت، اخلاق و معنویت، اهمیت به اقتصاد، توجه به عدالت خواهی و مبارزه با فساد.

ترابط موجود بین حاکمیت مومنان صالح که در آیه ۵۵ / نور مطرح شده است با محورهای موجود در بیانیه گام دوم انقلاب این است که: با رعایت این توصیه ها و فرمایشات ملت بزرگ انقلابی ایران می‌توانند در زمینه‌سازی امر ظهور جایگاه ویژه‌ای داشته باشند و در تسریع این حاکمیت وظایف مهم خود را انجام دهند.

اهمیت گام دوم انقلاب همین بس که، انقلاب پر شکوه اسلامی ایران را به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی است نزدیک کرده و آمادگی طلوع خورشید ولایت عظمی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را مهیا می‌کند.

فهرست منابع

قرآن

۱. احمد بن فارس، ابوالحسن، بی تا، معجم مقاییس اللغه ابن فارس، محقق / مصحح: هارون، عبدالسلام محمد، قم، نوبت چاپ: اول، ناشر: مکتب الاعلام الاسلامی
۲. بحرانی، هاشم بن سلیمان، ۱۳۸۴ش، سیمای حضرت مهدی در قرآن، تهران، چاپ: پنجم، ناشر: آفاق
۳. بهجت پور، عبدالکریم، ۱۳۹۱ش، تفسیر فریقین، قم، چاپ اول، ناشر: آثارنیس
۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، مفردات ألفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، مکان چاپ: بیروت، چاپ: اول، ناشر: دار القلم
۵. سلیمان، خدامراد، ۱۳۷۸ش، درسنامه مهدویت، تهران، جلد اول، چاپ اول، ناشر: مؤسسه نشر شهر
۶. حسنی بافرانی، طلعت، ۱۳۹۵ش، نقد و بررسی تفاسیر فریقین از آیات توارث و حاکمیت مومنان صالح زمین
۷. خامنه ای، علی، مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷ش. متن بایبانه گام دوم انقلاب
۸. طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۳۷۴ش، ترجمه تفسیر المیزان، سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، پنجم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
۹. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۶۰ش، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، چاپ: اول، انتشارات فراهانی
۱۰. عظیمی فر، علیرضا، ۱۳۹۳ش، جهان آینده در اندیشه اسلامی، قم، چاپ: سوم، انتشارات مهر امیرالمومنین،
۱۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین فراهیدی، بی تا، قم نوبت چاپ: دوم، نشر هجرت
۱۲. قرشی، سیدعلی اکبر، سال ۱۳۸۷، قاموس قرآن، تهران، نوبت ۱۶، ناشر دارالکتب الاسلامیه،

۱۳. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۳ش، تفسیر القمی، قم، نوبت چاپ: سوم، ناشر: دار
الکتاب، تحقیق: طیب موسوی جزایری
۱۴. گلستانی، صادق، ۱۳۸۵ش، مقاله سنت‌های تاریخی قران درباره مومنان، تاریخ
درآیین پژوهش ۱۳۸۵ شماره ۹
۱۵. متن بیانیه گام دوم انقلاب، مقام معظم رهبری، سال ۱۳۹۷ه.ش
۱۶. مصطفوی، حسن، ۱۴۳۰ق، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت، چاپ: سوم،
ناشر: دار الکتب العلمیة. مرکز نشر آثار علامه مصطفوی
۱۷. مغنیه، محمد جواد، ۱۴۲۴ق، الکاشف، : تهران، نوبت چاپ: اول، ناشر: دار
الکتب الإسلامیة،
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۶ش، تفسیر نمونه، تهران، جلد ۱۴، نوبت چاپ: ۲۶،
دارالکتب الاسلامیه
۱۹. مهدیان فر، رضا، ۱۳۹۶، واپسین روزهای تاریخ درآیه ۵۵ سوره نوازدیدگاه مفسران،
فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تفسیری، شماره ۳۰، سال هشتم